



ابعاد اجتماعی آموزش هنر در دوره ابتدایی

مرتضی احمدی

کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه پردیس شهید بهشتی زنجان
پست الکترونیک Mortezaahmadi4949@gmail.com

چکیده

از گذشته دور هنر و هنرمند نقش بزرگی در جامعه ایفا می کردند، این تاثیرات را در گذشته می توان در تاثیر یک شعر بر روی یک پادشاه و در دنیای امروزه در تاثیر یک تابلو یا هر اثر هنری بر روی افکار و عقاید جامعه یا یک گروه یا مذهب خاصی مشاهده کرد. ارزش و اهمیتی که هنر و هنرمند امروزه از آن برخوردار است بسیار کم رنگ تر نسبت به گذشته است شاید رشد و پیشرفت تکنولوژی یکی از عوامل این مسئله باشد. مسئله ابعاد اجتماعی آموزش هنر موضوعی است که در رابطه با آن پژوهش های زیادی نگارش می شود. همچنین در رابطه با مسئله آموزش هنر در دوره ابتدایی و بررسی روابط و تاثیرات آنها بر روی هم نیز جای بسی تامل است. پژوهشگران در رشته هنر همواره بررسی های علمی و پژوهشی خود را در این رابطه در معرض مخاطبین این رشته قرار داده اند. در مقاله حاضر نیز تلاش شده است که این موضوع بیشتر و دقیق تر بسط داده شود. روش پژوهش به صورت کتابخانه ای و فیش برداری و استفاده از منابع نظری و تئوری درباره ابعاد اجتماعی آموزش هنر و آموزش هنر در دوره ابتدایی بوده است. جامعه آماری در رابطه با تحقیق و پژوهش از آنها عبارت بود از کلیه اساتید و دانشجویان شهرستان که در رشته هنر در حال تدریس و تحصیل می باشند و ۱۰۰ نفر از این جامعه به شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. داده ها پس از گردآوری تنظیم و تجزیه و تحلیل داده ها از طریق روش کوواریانس صورت گرفت. یافته های تحقیق نشان می دهد که فاکتورهای مورد بحث ارتباط عمیق و غیر قابل اجتنابی با هم دارند و رابطه معناداری بین داده های پژوهش وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت نظرات پژوهشگران رشته هنر پیرامون مقوله های ارائه شده در این رابطه کاملاً صحیح و مبتنی بر واقعیت است. از این رو پیشنهاد می شود مباحث ابعاد اجتماعی آموزش هنر و آموزش هنر در دوره ابتدایی در مراکز آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی مطرح گردد و نتایج تحقیقات به صورت پروپوزال های نظری ارائه گردد. طبیعتاً رشد و پیشرفت تکنولوژی نه تنها در صنعت هنر بلکه در اکثر صناعت ها مانند مسگری و قالی بافی نیز تاثیر خود را گذاشته اند ولی درک و فهم مردم در این باره حرف اول را می زند.

کلید واژه: ابعاد اجتماعی، ابتدایی، آموزش، هنر

مقدمه

متأسفانه در کشور ما بر خلاف بسیاری از رشته های آکادمیک دیگر مخصوصاً در حوزه علوم انسانی و اجتماعی که ابتدا بیرون از دیوارهای دانشگاه رشد کرده و ریشه دواندند و بعد به دانشگاه راه یافتند، آینده پژوهی دقیقاً در دل دانشگاه شکل گرفت و از همان ابتدا به عنوان محصولی دانشگاهی به جامعه عرضه شد و درست به همین سبب است که اینچنین در این رشته روش زده ایم و هر کسی که با آن اندک آشنایی پیدا می کند، سراسیمه می رود سراغ سناریو. چرا؟ چون دغدغه دانشگاه های ما حل مسائل آن بیرون نیست، تولید مقاله است و چه چیزی برای تولید مقاله مهمتر از روش، آن هم روش های کمتر به کار برده شده. پژوهشگران و محققین برتر در رشته هنر در طول سالیان متوالی سعی بر این داشته اند که مطالعات گسترده ای بر روی ابعاد اجتماعی آموزش هنر و زیر مجموعه های پژوهشی آن داشته باشند. به طور قطع به یقین باید گفت که موضوع ابعاد اجتماعی آموزش هنر و پرداختن و وجوه مختلف و جنبه های گوناگون تحقیقاتی در این رابطه می تواند راهگشای دقیقی در رابطه با علم آموزان عرصه هنر باشد (حسینی، ۱۳۹۴).

به جرات می توان گفت که پرداختن به موضوع ابعاد اجتماعی آموزش هنر یکی از اساسی ترین مسائلی است که می توان در هنر به آن پرداخت و همچنین در این رابطه مسئله مهمی که جای بحث دارد مسئله آموزش هنر در دوره ابتدایی است. پرداختن به این موضوع می تواند راهبردهای آموزشی غیر قابل وصفی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد (رضایی، ۱۳۹۵).